

بررسی تطبیقی معماری اماکن مذهبی و شهرسازی دوره بیزانس در ترکیه با دوره سلجوقی در ایران

دریا نصرت پور* - آموزشکده فنی و حرفه ای سما، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران، تهران، ایران.
سعید خاقانی - استادیار دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه شاهرود، شاهرود، ایران.
ودیه ملاصالحی - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، گروه معماری، سمنان، ایران.

A comparative study of religious architecture and urban planning Byzantine period in Turkish Seljuk period in Iran

Abstract

Synchronization period on the one hand and intercultural relations in each historical period, the cultural and artistic interactions, especially in the field of architecture that representations have been specific in each period; This is in comparison to the Byzantine period in Turkish and Iranian Seljuk period is more important because it can be traced Seljuk architecture and urban richness. In this paper we compare the analytical and comparative study of Byzantine and Seljuk architecture in Iran; In the end, the results in the frame of the possible similarities and differences and effects of the mentioned period of time.

Keywords: architecture religious sites, Byzantine, Seljuk, comparative study.

چکیده

همزمانی دوره های تاریخی از یک طرف و مناسبات بین فرهنگی در هر دوره تاریخی، باعث تاثیر و تاثرات فرهنگی و هنری و بالاخص در حوزه معماری می شود که بازنمودهای ویژه ای در هر مقطع زمانی داشته است. این امر در مقایسه تطبیقی دوره بیزانس در ترکیه و دوره سلجوقی ایران دارای اهمیت بیشتری است که دلیل آن را می توان در غنای معماری و شهرسازی دوره سلجوقی جستجو کرد. در این مقاله با روش تحلیلی و مقایسه ای به بررسی تطبیقی معماری دوره بیزانس با دوره سلجوقی در ایران پرداخته شود. در این مقاله در یک دیدگاه تطبیقی مقایسه ای بین معماری ابنیه دوره سلجوقی و بیزانس ترکیه صورت گرفته و نتایجی چند در این رابطه مورد اشاره قرار می گیرد. در پایان به نتایج تحقیق در قالب بیان تفاوت ها و شباهت های احتمالی و تاثیر و تاثر این دوره های زمانی اشاره شده است.

واژگان کلیدی: معماری اماکن مذهبی، دوره بیزانس، دوره سلجوقی، مقایسه تطبیقی.

۱. مقدمه

معماری بیزانس با تأسیس پایتخت امپراتوری توسط کنستانتینوس اول بر کرانه تنگه بوسفوروس آغاز شد. این شهر که بعدها به نام

«کنستانتینوپولیس» (قسطنطنیه) و سپس به نام «استانبول» خوانده شد، مکانی برای گردهم آیی شد و جمع کثیری از هنرمندان شرق و غرب که حاصل هنرشان را در کلیساها و بناهایی می توان مشاهده کرد که به نام «سبک بیزانس» شناخته شدند. هنر غالب در ابتدای بنای این شهر هنر مسیحی بود که در واقع چیزی جز همان هنر رومی نبود. هنر کلاسیک امپراتوری روم این هنر هرچند مسیحی بود، اما از همان عناصر ماقبل مسیحی پاگان استفاده می کرد: مجسمه امپراتوران همچون دوران ماقبل مسیحی در میادین نصب می شد و موزاییک های کفپوش کاربرد فراوان داشتند. عاج و فولاد هر دو همچون دوران کلاسیک رومی استفاده می شدند اما بیشتر تغییرات در بخش های هوایی ساختمانها و عمارات دیده می شد. نبشی و سردر یونانی جای خودشان را به آرک (طاقی) دادند و گنبدها و مجسمه ها بیشتر وضعیت تزئینی یافتند و کمتر به شکل بهنجار و پذیرفته ساخته می شدند. این تغییرات را نزدیکی به حوزه فرهنگی آسیای صغیر و سوریه تشدید می کرد، یعنی در واقع دو حوزه فرهنگی که ایده های هنری شان چندان تحت تأثیر روم کلاسیک و فرهنگ غربی قرار نداشتند. معماری کلیسا در قرنهای چهارم تا ششم پیش رفته بود، اما در بستر هنرهای بصری سبکی که فرمالیسم و بیان کلاسیک را در خود جذب کرده باشد، زودتر پدید آمده بود؛ پایتخت جدید کنستانتینوس به دقت بنا شد و ساختمانهای عمومی، خیابانهای با طاق ضربی و دیوار و باروهای پرشکوهی داشت و علاوه بر اینها یک قصر امپراتوری هم داشت که نمای خیره کننده ای هم دارا بوده است.

در دوره سلجوقی نیز معماری و شهرسازی قابل توجهی از لحاظ ویژگی های محیطی و فرمی دیده

می شود که می تواند در مقایسه با معماری دوره بیزانس مورد بررسی قرار گیرد. در این مقاله در یک دیدگاه تطبیقی - مقایسه ای بین معماری ابنیه دوره سلجوقی و بیزانس ترکیه صورت گرفته و نتایجی چند در این رابطه مورد اشاره قرار می گیرد.

معماری ابنیه مذهبی ایران در دوره سلجوقی

دوران سلجوقیان بدون شک تابناک ترین دوره تاریخی ایران است. این عصر اوج تمدن اسلامی ایران است. اهمیت آن را می توان اینگونه خلاصه کرد:

۱. توسعه شهرها در نتیجه توسعه فرهنگی و انتقال دستگاه اداری از دست خاندان های دیوان سالار قدیم به خاندان های روشنفکر جدید از طبقه متوسط جامعه.

۲. رفاه اقتصادی و امنیت عمومی در مدتی بیشتر از یک قرن و نیم بخصوص در دوران آخر حکومت طغرل اول بنیان گذار حکومت سلجوقیان و آلب ارسلان و ملک شاه و سلطان برکیارق و سلطان سنجر، جاده ها امن بود، مردم به راحتی به سفر حج مشرف می شدند. کاروانسراها و قنات ها و چاه های آب زیادی در سراسر ایران بخصوص در سر راه زائرین ایرانی به حج ایجاد شده بود.

۳. «بنیان گذاری دانشگاه»: نظامیه هایی که شهید خواجه نظام الملک پدید آورد. منشاء و سرمشق دانشگاه های امروز جهان است. دانشگاه های نظامیه، آموزشگاه هایی بودند، با فرصت تحصیل رایگان، راتبه های کافی برای مدرسان، کتابخانه های معتبر و رشته های تحصیلی مشخص با سازمانی درست.

۴. گسترش و رواج زبان ادبی فارسی و فرهنگ ایرانی به طور کلی نقش بسیار برجسته ای ایفا کرد. سیاست داخلی آنان در دست وزیران و مشاوران دانشمندی بود که برای ترقی جامعه ایرانی از هیچ کوششی خودداری نمی کردند.

۵. دربار سلجوقی همانند دربار محمود غزنوی پر از علماء و نویسندگان بود. زبان رسمی فارسی بود و کلیه مکاتبات اداری دربار با این زبان صورت می گیرد. بهمین جهت زبان فارسی از کرانه های

دریای مدیترانه تا اقصی نقاط هند تحت حکومت مسلمان و از کرانه‌های خلیج فارس تا آن طرف سیحون و جیحون زبان غالب بود. و اگر حمله مغول نبود قطعاً امروزه زبان فارسی زبان اول جهان اسلام بود.

۶. تا آن زمان جهان هیچگاه شاهد گسترش آن اندازه مدرسه و کتابخانه و دانشگاه نبوده است. در یونان باستان با آن همه ارزش کاذبی که برایش ساخته‌اند تنها یک کالج وجود داشته است. در حالی که در کلیه شهرهای مهم امپراطوری عظیم سلجوقی حداقل یک دانشگاه نظامیه وجود داشته است، و در آن دانشگاه کتابخانه‌ای موجود. به علاوه دانشگاه‌های دیگری نیز توسط افرادی مانند ملک‌شاه و غیره ساخته شده بود. با توجه به اینکه اولین کتابخانه عمومی اروپا در حوالی سال ۱۴۰۰ میلادی آن هم با هزار جلد کتاب احداث شده است. اهمیت دوران سلجوقی با کتابخانه‌هایی با هزاران جلد کتاب برای ما مشخص می‌شود. علاوه بر اینکه تقریباً هر مسجدی دارای کتابخانه بوده و بسیاری از افراد دارای کتابخانه شخصی بوده و کتابخانه‌های عمومی در همه شهرها دایر بوده‌اند چنان که تنها در یکی از کتابخانه‌های وقفی مرو بیش از دوازده هزار جلد کتاب وجود داشته است.

در هر حال، ایران پس از سال ۱۰۰۰ میلادی برابر با ۴۹۳ ه.ق ایران در ساخت مساجد ملی معماری‌ای غیر قابل انکار و غیر قابل تقلید را دنبال کرد (هانس گابه، ۱۹۹۳، ص ۳). چهارطاقی مهم‌ترین واحد فضایی معماری ایران در دوره پیش از اسلام بود که نقشی مذهبی داشت. این بنا سمبل کیش پیروان اهورامزدا و محل نگهداری آتش مقدس الهی بود. چهارطاقی پس از تسخیر کشور ایران توسط سپاهیان اسلام، از بین نرفت بلکه با حفظ اصالت به حیات خود ادامه و به خدمت مذهب دیگری درآمد (محمد رضا پورجعفر و آزاد، ۱۳۸۷). «هیلن براند» می‌نویسد:

«چنین فضاهای گنبددار چه قبلاً آتشکده بودند

و چه از اوّل به عنوان مسجد ساخته شده‌اند، گاه با حیاط گاه بدون حیاط (بروجرد). بدون شک بخش اولیه بیشتر مساجد ایرانی قرون وسطی مثل «سجاس» همین فضای گنبددار است» (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲).

با ورود چهارطاقی در قلب مساجد ایرانی جهت قبله و اهمیت سالن محراب در آنچنان شان و مرتبه‌ای قرار گرفت که تاکنون در طول قرن‌ها این نقشه بدون تغییر باقی مانده است (متدین، ۱۳۸۶، ص ۴). وجود مساجد کوچک با ایوان و گنبدخانه تکی، خود ضمن تاکید به ویژگی‌های ایرانی مساجد نمونه شاخصی از حرکت به سمت قبله می‌باشند که در آناتولی تازه مسلمان شده سلجوقی نیز به عنوان مساجد کوچک ساخته شده‌اند (متدین، ۱۳۸۶).

آل‌بویه درختانی کاشتند که میوه‌هایش را سلجوقیان و وزیران و ندیمان آنان توانستند بچینند. آنان به هر دلیلی که بود زمینه «ایرانیت» را فراهم آوردند، زیرا آنان خود انسان‌هایی نبودند که بویژه از اندیشه‌های نوینی برخوردار بوده باشند (هانس گابه، ۱۹۹۳، ص ۱۷). لذا برای سلجوقیان معقول بود که «راه ملی‌گرایی» ارائه شده از سوی آل‌بویه را ادامه دهند. سلجوقیان اسلام را با محتویات التقاطی آن پذیرفتند و دولتی پدید آوردند که در آن اصول زندگی آسیای میانه با بازمانده رسوم و آئین ساسانیان و تازیان در هم آمیخته بود و این نظام را با کشورگیری تا اقصای قونیه و افسس گسترده (کارل فریتر، ص ۱). یکی از مشخصات مهم مساجد دوره سلجوقی را می‌توان در چگونگی جایگزینی گنبدخانه در ساماندهی فضایی مسجد به عنوان نقطه عطف مشخص بیان نمود. حتی پس از چهار ایوانی شدن مساجد در سالهای بعد هنوز هم گنبدخانه بزرگ بدون شک مرکز توجه بوده و سادگی چهارطاقی نمونه اولیه در این گنبد‌های سنگین دیده می‌شود (متدین، ۱۳۸۶، ص ۴). گالدیری می‌نویسد:

«سلجوقیان برای ساختن این قبه‌ها و ستونهای عظیم آن از سنت دیرین ساسانیان بهره برده‌اند»

جدول ۱. دسته بندی مساجد ایرانی از آغاز اسلام تا دوره قاجاریه؛ ماخذ: نگارندگان.

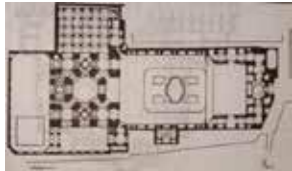
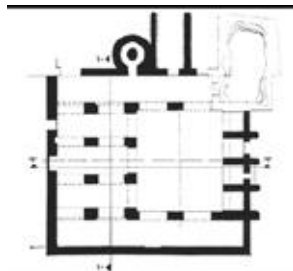
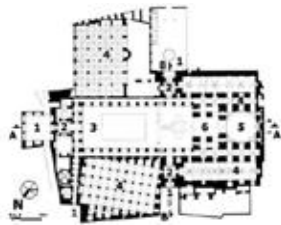
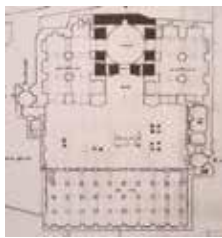
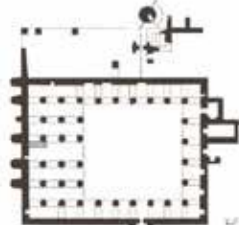
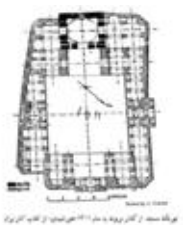
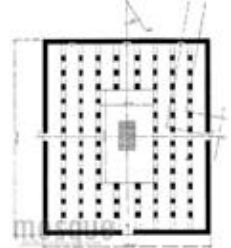
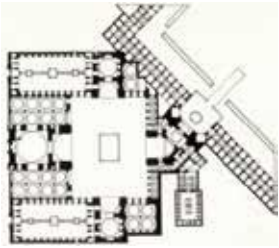
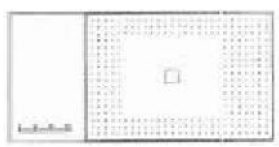
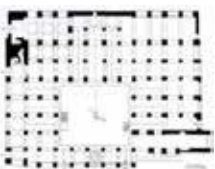
دسته بندی مساجد ایرانی	مساجد اولیه (شبستانی)	مساجد چهار طاقی (سلجوقی)	مساجد ایوانی (یک، دو، سه و چهار ایوانی)
ویژگیها	(*) برگرفته از الگوی شبستانی مسجد پیامبر (*) ایجاد پرسپکتیو قوی با آسمانه طاقی (*) طاق گهواره ای در جهت قبله برای تاکید بر جهت قبله (*) طاق زنی بین دو ستون (*) بکاربردن قوس های بیز (*) رواقهای متحدالشکل و عدم تاکید مناسب به جهت قبله	(*) تزریق گنبدخانه قبل اسلام ایران در مساجد شبستانی توسط سلجوقیها (*) آغاز ایرانیزسیون مساجد عربی (آندره گذار) (*) مقصوره دار کردن مساجد (*) ایوان منتهی به گنبد خانه (*) الگوی زرتشتی - ساسانی به عنوان کاراکتر اصلی مسجد شد (*) طرح مساجد برگرفته از طرح آتشکده ها و معابد ساسانی (*) چهارطاقی گنبددار از جمله راهها برای تاکید بر جهت قبله و محراب	(*) الگوی دو ایوانه منتهی به گنبد خانه (خوارزمشاهی) (*) الگوی چهار ایوانه با تاکید به ایوان منتهی به گنبد خانه (سلجوقی) (*) منارهای دو قلو دو طرف ایوان قبلی (*) ترکیب حیاط های فرعی در مساجد (صفویه) (*) تغییر مسجد- مدرسه (سلجوقی) به مدرسه- مسجد (صفویه)
تاثیرپذیری	(*) فرم مسجد پیامبر (*) معماری پیش از اسلام ایران	(*) الگوی چهار طاقی ساسانی (*) الگوی ایوان منتهی به گنبدخانه پارتی	(*) فرم ایوانی بناهای پیش از اسلام ایران و فرم ایوانی بناهای دوره سلجوقی
نمونه ها	(*) مساجد: فهرج، ۵۰-۶۰ه.ق؛ (*) تاریخانه دامغان، ۱۵۰ه.ق (*) جامع یزد، قرن ۳ (*) جامع اصفهان، ۲۲۶ه.ق (*) نائین ۳۴۹ه.ق	(*) مساجد: جمعه اردستان، جامع بروجرد، جامع گلپایگان، جامع نطنز، جامع سجاس	(*) تک ایوانی: آقابزرگ، جامع یزد. (*) دو ایوانی: زوزن، فریومد، وکیل شیراز. (*) سه ایوانی: عتیق شیراز، جامع عزیز تهران. (*) چهار ایوانی: مسجد شاه اصفهان، و مسجد جامع اصفهان.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۹۰

جدول ۲. نمونه موردی از هر دوره تحول مساجد در ایران؛ ماخذ: نگارندگان.

مسجد آقابزرگ کاشان- تک ایوانی ۱۲۶۸ (منبع: مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت) 	مسجد جمعه اردستان، قرن ۳ و ۲ هـ.ق- طرح چهار طاقی 	مسجد فهرج، ۵۰-۶۰ هـ.ق، طرح شبستانی 
مسجد جامع یزد قرن ۸ هـ.ق- تک ایوانی 	مسجد جامع بروجرد- طرح چهارطاقی گنبددار 	مسجد تاریخانه دامغان، ۱۵۰ هـ.ق، طرح شبستانی 
مسجد فریومد- دو ایوانی 	مسجد جامع گلیایگان قرن ۵ هـ.ق- چهار طاقی گنبددار (منبع: گدار) 	مسجد جامع یزد، قرن ۳، طرح شبستانی (ماکسیم سیرو) 
مسجد امام اصفهان ۱۰۲۰- چهار ایوانی (منبع: مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت) 	مسجد جامع نطنز، قرن ۹ هـ.ق منبع: مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت) 	مسجد جامع اصفهان، ۲۲۶ هـ.ق، طرح شبستانی (منبع: Hoag, ۱۹۸۲) 
مسجد جامع اصفهان، قرن ۳ تا ۱۱- چهار ایوانی 		مسجد نائین ۳۴۹ هـ.ق، طرح شبستانی (منبع: پوپ) 

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

(گالدیری، ۱۳۵۴).

ایوان و گنبدخانه نماد پادشاهی ایرانیان از زمان پارتها بود (هانس گابه، ۱۹۹۳، ص ۱۸)؛ بنابراین اولین گام در جهت تغییر نقشه عباسی مساجد در زمان سلجوقیان برداشته شد و چهارطاقی عظیم، سالن محراب را از بقیه قسمت‌ها متمایز ساخت (متدین، ۱۳۸۶). برای معماران این خطه تقلید از راه حل‌های غیر ایرانی ضعف بشمار آمده و سعی در ایجاد فضایی نمودند تا ضمن اسلامی بودن، روحیه ایرانی را تقویت نماید (همان، ۱۳۸۶). قبایل بیابانگرد (سلجوقی) شیوه خاصی در آرایش ساختمانها رایج کردند که در ایران و ترکیه پایدار گشت. با وجود اختلاف محل و فراوانی و کمی مواد مختلف ساختمانی یگانگی خاص در دو سرزمین دیده می‌شد و هنرمندان از یکدیگر به آسانی تقلید می‌کردند و بیشتر نقشه‌هایی را می‌گرفتند که به چشم آشنا باشد، قطع نظر از اصل و منشاء آنها سرانجام از این هم‌رنگی و این سرچشمه یکسان سلجوقیان و مغولان، شیوه‌های دوگانه‌ای برخاست که یکی در ایران صفوی و دیگری در ترکیه عثمانی باشد. در ابتدای قرن ششم تحول اساسی در مساجد ایجاد می‌شود که هنوز هم ادامه دارد و آن ظهور گنبد و ایوان در مسجد است. مهمترین فضای باز بنا حیاط است؛ گنبد خانه و حیاط با هم در گفتگو هستند و فضای واسط این دو همیشه ایوان (فضای نیمه باز) است. در قرن هشتم در ماهیت مساجد تغییری صورت نمی‌گیرد و الگوی از دوره قبل است اما تحولاتی می‌کند: الگوی اصلی طراحی الگوی چهار ایوانی گنبددار است، تناسبات تغییر می‌کند و به سمت تناسبات کشیده با ارتفاع زیاد می‌رود، تزئینات تغییر می‌کند بویژه رنگ، کاشی و گچ در داخل بنا و کاشی کاری مفصل در خارج بنا.

معماری و شهرسازی دوره بیزانس

بیزانس در دوران شمالی شکنی (۸۴۳-۷۲۶)

در این دوران به رغم مخالفتی که با ترسیم شمایل قدیسن و اولیاء مسیحی به راه افتاد و موجب و

مداخل کلیسا کاهش چشمگیر یافت، کلیساها به ساخت بناهای مقدس ادامه می‌دادند. کلیسای معراج در نیقیه و یک کلیسای ایاضوفیه دیگر در سالونیکا ساخته شدند. امپراتوران لزوماً با معماری و هنرهای مرتبط با آن مخالف نبودند و چنانکه در تاریخ تمدن ویل دورانت هم اشاره شده، امپراتور ثئوفیلوس (۸۴۲ - ۸۲۹) بناهای بسیاری به قصر بزرگ امپراتوری اضافه کرد.

دوران بیزانس میانه (۱۲۰۴ - ۸۴۳)

باسیلئوس اول شاخص‌ترین امپراتور پس از دوران شمایل‌شکنی است. او به خلاف بسیاری از اسلاف خود در منطقه‌ای قصر کبیر امپراتوری اقدام به ساخت و ساز مجاز کرد و دو کلیسا هم از خود به یادگار گذاشت: کلیسای جدید و کلیسای ثئوتوکوس فاروس. او این رسم معمول ساخت کلیسا و بناهای دینی و تزئینات مرتبط با آن را بنیاد نهاد که تا قرن‌ها مداومت داشت. هیچ یک از این دو کلیسا باقی نماندند و تنها از روی اسناد مکتوب می‌توان درباره‌شان اظهار نظر کرد. به نظر می‌رسد که هر دو شاخص دوران بیزانس میانه بودند. کلیساهای این دوران از یک الگوی کلی پیروی می‌کنند: یعنی از یک صلیب محاط در داخل یک دایره. این کلیساها سه جناح متمایز، منتهی به یک نمازخانه و محراب در جناح شرقی، و یک ناوه کش عرض در جناح غربی بودند. در همه حال، یک سقف گنبدی برفراز جناح مرکزی و بر پایه چهارستون قرار داشت و چهار گنبد کوچکتر که در اطراف آن قرار می‌گرفتند؛ حرم شرقی و بخش مرکزی جناح‌های جانبی متوجه شمال و جنوب تعبیه می‌شد. این گنبدها تا بالای سقف بخشهای دیگر کلیسا امتداد می‌یافتند به نحوی که کلیسا در سقف چلیپایی به نظر می‌رسید. به جز این ناوه کش عرضی کلیساها معمولاً طول و عرض برابر داشتند، به طوری که پلان پایه آنها یک مربع کامل بود به ندرت ستونهای اضافی هم در سمت غرب بنا می‌شدند که به این ترتیب یک باسیلیکای مسقف گنبدی پدید می‌آمد؛ جرزه‌های

نمونه در یونان و بخشهایی از بالکان پس از بیرون راندن ترکان عثمانی در واقع بازسازی شده‌اند، اما در مجموع از همان ضابطه بنا در معماری بیزانس پیروی کرده‌اند.

روند تحول مساجد در آناتولی ترکیه

۱- مساجد گنبددار اولیه

معماری اسلامی ماقبل عثمانی در ترکیه از سرمشق‌های ایرانی تبعیت می‌کرد (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۱۳۰). پردوام‌ترین بناهایی که ترکها احداث کردند همان‌هایی هستند که به خدمت در راه خدا اختصاص دارد یعنی مساجد، مدارس و خانقاه‌ها که بهترین مصالح و ظریف‌ترین هنرها بی‌دریغ در ساختمان آنها به کار رفته است. ساختمانهایی که برای استفاده مردم بنا می‌شد حتی کاخهای امپراتوری با مصالح کم‌دوام‌تر و معمولاً از چوب ساخته می‌شد (برنارد لوئیس، ۱۳۶۵، ص ۱۵۸). طرح ابتدایی مساجد آناتولی همان مسجد حیاط دار به تقلید از مسجد پیامبر بود ولی بتدریج با توجه به شرایط آب و هوایی سرد منطقه، به مساجدی با شبستان سرپوشیده تبدیل شدند. در نتیجه امکانات وضو گرفتن (وضوخانه) در داخل مسجد قرار گرفتند؛ چنانچه «هیلن براند» می‌گوید:

«...در مساجد ترکیه تسهیلات وضو در مکانی زیر نورگیر حرم قرار داشت و...». مساجد اولیه آناتولی از گونه عربی تقلید کردند اما بتدریج رنگ و بوی ایرانی گرفتند (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۱۵۳).

ارجحیت در این زمان مساجد سرپوشیده بدون حیاط بود مثل مساجد ارزروم، قیصری، نیده، سیوری حصار (همان، ص ۱۵۳). اشکال گنبددار از ابتدا کاملاً و عمیقاً ریشه در معماری آناتولیایی دارد. این مهمترین مشخصه مساجد عثمانی است و ریشه آن به نخستین سالهای این سلسله بر می‌گردد (همان، ص ۱۵۳).

۲- معماری عثمانی پیش از ۸۵۷ ق ۱۴۵۵م

این مساجد از مکعب ساده گنبددار به اضافه دهلیزهای کناری تشکیل شده‌اند، مانند مسجد

حائل انتهای شرقی از کشیش خانه مرکزی به سمت غرب امتداد می‌یافت و به عنوان جانشین دو ردیف ستونهای جناح شرقی عمل می‌کرد و گنبد را نگاه می‌داشت. اما در هر حال، پلان اصلی حفظ می‌شد. گنبدهای کلیسا به نسبت کوچک بودند و بر روی طوقه تعبیه می‌شدند و در طول زمان باریکتر و بلندتر ساخته می‌شدند. هم نمازخانه‌ها و هم حرم از مابقی کلیسا جدا بودند و یک حائل بلند و سنگین به شمال خانه پُرشکوهی منجر می‌شد که از مهمترین خصیصه‌های کلیسای اورتودوکس به شمار می‌آید. بخش تحتانی جررها در کلیساهای بزرگتر با تخته مرمر پوشانده می‌شد؛ قرنیز و سرستونهای حجاری شده در ساخت آنها به کار می‌رفتند؛ البته تزئین و آرایه در معماری بیزانسی همیشه جنبه صوری داشت و چندان به چشم نمی‌آمد. کلیسای اصلی در صومعه حضرت لوقا در نزدیکی دلفی کاملترین نمونه این معماری به شمار می‌آید.

دوران بیزانس متأخر (۱۴۵۳ - ۱۲۰۴)

چند نمونه معدود که از این دوران در کنستانتینوپولیس و سالونیکا و در دیگر نقاط شبه جزیره بالکان موجود است، نشان می‌دهد که اندازه کلیسا عموماً به سمت کوچک شدن متمایل است. اما از همان اسلوب دوران بیزانس میانه در ساخت آنها استفاده شده است. ظاهر آنها چشمگیرتر است و گنبدها کوچکتر و بلندتر شده‌اند، سطح دیوارها از سمت خارج پر از تزئینات است. این تزئینات می‌توانند به سادگی یک آجرچینی یا به پیچیدگی کاشیکاری‌های معرق باشند که نماهای زیبایی را در این کلیساها تشکیل می‌دهند مواد و مصالح ساختمانی بسته به محل متفاوت بودند، هرچند ترجیح عمومی به کاربرد سنگ بود. در جزییات که دقیق شویم تازه به وجود تنوع و دگرگونی فراوان در ساخت آنها پی می‌بریم از این دوران معماری همچون دوران اولیه بیزانس مثالهای فراوانی در دست است، البته برخی از این مثالها به عنوان

علاالدین بورسه ۷۳۶ ق ۱۳۳۵ م. (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۱۵۴). الگوی دیگر در این زمان، طرح فضایی صلیبی شکل یا T برعکس می باشد که برای اولین بار در مسجد سلطان بایزید در آماسیه ۸۱۷ ق ۱۴۱۴ م دیده شده است (همان، ص ۱۵۶). طرح T برعکس محور محراب را با دو گنبد متصل به هم در امتداد محور مرکزی که با ردیفی از دهانه های گنبددار یا طاق دار در هر طرف مشخص می شود برجسته می سازند. تمام اینها نیز از پهلوی به وسیله یک ایوان پنج گنبدی در هم تنیده شده اند (همان، ص ۱۵۶). نفوذ مداوم بیزانس را می توان به عینه در تکامل معماری عثمانی، حتی پیش از اینکه اشغال استانبول معماران ترک را در پیش روی ایاصوفیه قرار دهد، مشاهده کرد. یک امر مهم که در ایاصوفیه امری میانی و در معماری عثمانی کلیشه ای بود و هنوز وارد معماری مسجد ترکی پیش از آن تاریخ نشده بود، استفاده از دو گنبد متوسط در طول محور محراب بود که حکم پشت بند گنبد اصلی را داشتند (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۱۵۷).

۳- سبک پیشرفته عثمانی

اشغال قسطنطنیه در ۸۵۷ ه.ق نقطه نهایی و انگیزه ای برای بازنگری اساسی به طرح مسجد به شمار می آید. اولین بنای بیانگر این حس بنای یادبود پیروزی یا مسجد فاتح ۸۶۷-۷۵ ق بود (هیلن براند، ۱۳۷۷). یکی از مشخصه های این دوره حیاط در مساجد است. در اکثر مساجد حیاط دار ترکیه منبع آب و حوض وضو در حیاط به صورت سرباز (بدون سایه بان) طراحی شده اند. مشخصه اصلی در این دوره نیم گنبدهای عظیم می باشد که گنبد اصلی را تقویت می کند. مشخصه بعدی الگوی شبستان های چهارستونی می باشد، این الگو که در ساده ترین حالت شامل یک پلان مربع با چهار ستون در فضای میانی آن است. در مقایسه با الگوهای تاریخی موجود و الگوهای محتمل دیگر امکانات و قابلیت های ویژه ای را برای طراحی شبستان مساجد در مقیاس های متفاوت ارائه می دهد.

توزیع متوازن چهار ستون در شبستان ضمن تاکید به مفهوم رویکرد انسان نماز گزار به سمت خالق هستی و کعبه امکانات چندی را در اختیار می گذارد مثلاً: ایجاد فضایی وسیع متناسب با عده نماز گزاران، هماهنگی هندسه ناشی از ستونها با هندسه پلان و سازماندهی مناسب فضاها در جهت قبله، ایجاد ترکیبی متوازن از فضاها متباین و هم محورد در بخش میانی، کناری و گوشه های پلان با سلسله مراتب و تنوع فضایی غنی، تقسیم شبستان به فضاها متناسب کار آمد با مقیاس انسانی، تداوم و ترکیب جزء فضاها و حفظ وحدت در مجموعه فضاها شبستان، محدودتر شدن دهانه ها و سهولت تأمین پایداری سازه و اجرای آسانتر ساختمان شبستان، وحدت و تمامیت جزء فضاها و پرهیز از حضور عناصر ناتمام، آزاد بودن بخش میانی فضا در امتداد محور قبله و ایجاد زمینه برای استقرار عناصر ارزشی از قبیل نور و ایجاد فضاها نمادین مانند گنبدخانه.

نتیجه گیری و جمع بندی

در ادامه در بررسی تطبیقی موارد مورد نظر نتایج زیر به اختصار بیان می گردد:

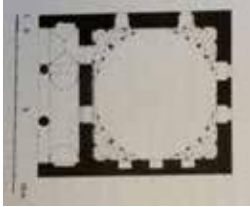
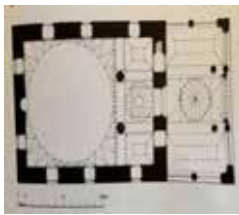
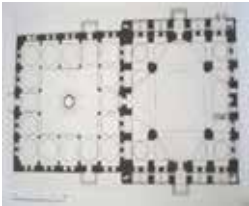
۱- فرق فضای گنبددار ایرانی با آناتولی در این بود که در ایران اتاق گنبددار پشت ایوان قبله از بقیه مسجد جدا بود اما در آناتولی برعکس ایران، در پی راهی برای ترکیب فضای اصلی گنبد دار با بقیه فضای اطراف بودند؛

۲- نحوه ورود به حیاط مساجد ایرانی، یا از طریق یکی از چشمه های فرعی در کنج حیاط صورت می گیرد، و یا از پشت یکی از ایوانهای فرعی. در این حالت بعد از سردر ورودی و هشتی دقیقاً پشت ایوان قرار می گیریم اما امکان ورود نیست. در واقع این عنصر از ورود مستقیم جلوگیری کرده و فقط ارتباط بصری برقرار می کند. اما هنگام ورود از حیاط به گنبد خانه کاملاً از محور مرکزی وارد می شویم، که این نحوه متفاوت ورود نشان از وجود سلسله مراتب در بناست. اما در مساجد آناتولی چنین سلسله

جدول ۳. سیر تحول مساجد آناتولیایی از آغاز اسلام تا قرن ۱۱؛ ماخذ: نگارندگان.

دسته بندی مساجد آناتولی	مساجد گنبددار اولیه	معماری عثمانی پیش از ۸۵۷ ه.ق ۱۴۵۵ م	سبک پیشرفته عثمانی
ویژگیها	(*) تقلید از گونه عربی + رنگ و بوی ایرانی (*) ایوان برای درگاه و برای ورودی های شبستان (*) تاکید روی فضای گنبددار (*) ارجحیت با مساجد سرپوشیده بدون حیاط بود (*) بکار بردن اشکال گنبددار که ریشه ای آناتولیایی دارد (*) وجود نقوش هندسی و گل و بته و خطاطی روی سنگ که متأثر از هنر ارمنی و بیزانس بوده است	(*) مکعب ساده گنبددار + دهلیزهای کناری (*) فرم شبیه به آرامگاه های بزرگتر در جهان اسلام و ساده ترین اشکال مساجد ایرانی (*) در سقف سبک آناتولیایی دارند و در شبستان سبک عربی (*) طرح فضایی صلیبی شکل یا T برعکس (*) تکیه بر گنبد مرکزی بجای تکیه بر محراب	(*) استفاده از دو گنبد متوسط در طول محور محراب به عنوان پشت بند گنبد اصلی (*) سیمای خارجی موج دار بوجود آمده توسط گنبدهای چند تایی (*) مناره های مدادی شکل بلند (*) ارتباط تزئینات اندک خارجی با حجاری ظریف (*) توالی فضاهای نیم گنبدی در اطراف گنبد اصلی و در طول محور اصلی (*) قوسهای عظیم جهت تقسیم بندی فضا (*) آگاهی و اهمیت دادن به توپوگرافی و مجموعه سازی (*) تقسیمات ۹ قسمتی گنبد مرکزی با افزایش تمرکز روی گنبد مرکزی (*) استفاده از گوشواره بیزانسی (*) شبستانهای چهارستونی
تاثیرپذیری	(*) چهار طاقی های ایرانی (*) شبستانهای عربی (*) تاثیر از تزئینات ارمنی و بیزانس	(*) فرم آرامگاه های بزرگتر در جهان اسلام و ساده ترین اشکال مساجد ایرانی. (*) هشتی ورودی کلیساهای اواسط بیزانس	(*) فرم گنبدهای بیزانسی
نمونه ها	(*) مساجد شهرهای: ارزروم، قیصری، نیده، سیوری حصار، مسجد علاءالدین ۶۲۰ ق	(*) مسجد حاجی ازبک، ایزنیک ۷۳۴ ق مساجد: علاءالدین بورسۀ ۷۳۶ ق جامع سبز ایزنیک ۷۸۰ ق سلطان بایزید آماسیه ۸۱۷ ق جامع قدیمی ادرنه ۸۵۶ ق اوج شرف لی ادرنه ۸۵۱ ق	(*) مسجد فاتح ۸۶۷-۷۵ ق (*) مسجد بایزید دوم ۹۱۳ ق (*) مسجد سلیمانیه در استانبول ۹۳۶ ق (*) مسجد شاهزاده ۹۵۵ ق (*) مسجد سلیمیه ۹۸۲ ق ادرنه (*) مسجد سلطان احمد ۱۰۲۵ ق

جدول ۴. نمونه موردی از هر دورهء تحول مساجد در آناتولی؛ ماخذ: نگارندگان.

مسجد حاجی ازبک، ایزنیک ۷۳۴ ق، طرح گنبد و ایوان (منبع: گادفری گودوین) 	نمونه اول
مسجد بایزید دوم ۹۱۳ ق، طرح شبستان چهار ستونی حیاط دار (منبع: گادفری گودوین) 	نمونه دوم
مسجد جامع سبز ایزنیک ۷۸۰ ق، طرح گنبد و ایوان (منبع: گادفری گودوین) 	نمونه سوم
مسجد شاهزاده ۹۵۵ ق، طرح شبستان چهار ستونی حیاطدار (منبع: گادفری گودوین) 	نمونه چهارم
مسجد اوچ شرف لی ادرنه ۸۵۱ ق، طرح مساجد حیاطدار (منبع: گادفری گودوین) 	نمونه پنجم

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۹۶

شبستانهای چهارستونی»، دومین همایش معماری مسجد.

سلطانزاده، حسین (۱۳۸۴) «فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران»، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی.

شوازی، آگوست (۱۳۸۶) «تاریخ معماری»، ترجمه لطیف ابوالقاسمی، انتشارات دانشگاه تهران.

گابه، هانس (۱۳۷۶) «مساجد ایرانی»، ترجمه سید محمد طریقی، فصلنامه هنر، ش ۳۳.

گودوین، گادفری (Godfrey Goodwin) (۱۳۸۸) «تاریخ معماری عثمانی»، ترجمه اردشیر اشراقی، انتشارات موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».

فراهانی، رضا (۱۳۸۸)، میدان نقش جهان و عناصر آن، کتاب ماه هنر.

فریتر، کارل (۴) ترجمه مسعود رجب نیا، «آرایش ساختمانهای ایرانی و عثمانی، تبادل شیوه های معماری در سده های یازدهم تا چهاردهم میلادی (ششم تا نهم هجری)»، مجله هنر و مردم.

لوئیس، برنارد (۱۳۶۵) «استانبول و تمدن امپراتوری عثمانی»، ترجمه ماه ملک بهار، انتشارات علمی فرهنگی.

متدین، حشمت ... (۱۳۸۶) «چهار طاقی گنبددار نقطهء عطف معماری مساجد ایرانی»، هنرهای زیبا، ش ۳۱.

محمدیان منصور، صاحب (۱۳۸۶) «سلسله مراتب محرمیت در مساجد ایرانی»، هنرهای زیبا، ش ۲۹.
هیلن براند، رابرت (Robert Hillanbrand) (۱۳۷۷) «معماری اسلامی: فرم، عملکرد و معنا»، ترجمه ایرج اعتصام، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

مراتبی وجود ندارد. ورود به حیاط کاملاً در یک محور مستقیم صورت می گیرد، و ورود به گنبدخانه و شبستان، گاهی با عبور از حیاط و رواق های اطراف آن و گاهی از بیرون محوطه مسجد و با ورود مستقیم به شبستان صورت میگیرد.

۳- در مساجد ایرانی همواره شبستان ها به صورت چهل ستونی می باشند که گاهی در طرفین گنبدخانه و گاهی مجزا از آن قرار می گیرند. در مساجد آناتولی فضای گنبدخانه و شبستان درهم ادغام شده و شبستان چهار ستونی را بوجود آورده که گنبدخانه در مرکز آن و بر فراز آن قرار دارد. حال می توانیم بگوییم که دلیل شیوه های متفاوت در ایران و آناتولی بعد از دوره سلجوقی، پیشینه باستانی این سرزمینها در معماری بوده است. در واقع دوره صفویه در ایران بازگشت به دوران اوج و اقتدار کلاسیک بوده است. و در آناتولی پیشینه یونانی و بیزانسی از یک سو، تاثیرات ایران هخامنشی و ساسانی از سوی دیگر با پیشینه آسیای صغیر این سرزمین، در نهایت دوران سلجوقی را پشت سر گذاشته و دوره عثمانی را به ارمغان آورده است.

منابع و مآخذ

اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۹۰) «حس وحدت»، ترجمه و نداد جلیلی، انتشارات علم معمار.
بُدوآن (BEAUDOIN) (۱۹۳۲) «اصفهان در قرن هفدهم»، ترجمه اصغر کریمی، اثر ش ۳۱ و ۳۲.
پورجعفر، محمدرضا و میترا آزاد (۱۳۸۷) «تاثیر چهار طاقی های ایران باستان در معماری مساجد و تداوم آنها در معماری مساجد کشورهای همسایه»، دومین همایش معماری مسجد.
پیرنیا، محمدکریم و غلامحسین معماریان (۱۳۸۶) «سبک شناسی معماری ایرانی»، انتشارات سروش دانش.

میشل، جرج (۱۳۸۸) «معماری جهان اسلام، تاریخ و مفهوم اجتماعی آن»، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی.

خان محمدی، محمد علی (۴) «معرفی الگوی



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

■ ۹۸ ■